

دو فصلنامه علمی - پژوهشی

حدیث پژوهی

دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان

سال اول / شماره ۲ / پاییز و زمستان ۱۳۸۸



بررسی احادیث تقیه از دیدگاه مجلسی اول

حجة الاسلام والمسلمین محمدعلی مهدوی راد / استادیار دانشگاه تهران، پردیس قم

محمد هادی امین ناجی / دانشجوی دکتری دانشگاه قم



چکیده

تقیه، موضوعی است که در آیات قرآن و سنت معصومان (ع) ریشه دارد و در فهم محتوا و هدف کلام ائمه معصومین (ع) مؤثر است.

محمدتقی مجلسی، ضرورت تقیه را افزون بر ادله قرآن و حدیث، از طریق قاعده حفظ حرمت مسلمان نیز اثبات نموده است. او بین تقیه و اتقا تفاوت می‌گذارد زیرا بخشی از احادیث با هدف اتقا صادر شده است و نه تقیه.

وی درجات فهم مردم را در تقیه مؤثر و آن را از راه نشانه‌های سندی و محتوایی، قابل تشخیص می‌داند و در نشانه‌های سندی به مواردی چون انتساب حدیث به امام پیشین و حضور راوی عامی اشاره می‌نماید. مجلسی نشانه‌های محتوایی را در قالب مواردی نظیر تعارض حدیث با خبر متواتر، اضطراب و تشویش متن، و وجود قرائن دال بر مشابَهت با روایات عامه مبتنی کرده است.

او در بحث وجوب تقیه، دو شرط اضطراب و مقتضیات مخاطب را مورد تأکید قرار داده است.

کلیدواژه‌ها

محمدتقی مجلسی، تقیه، اتقا، راوی عامی، تعارض حدیث، قرائن سندی و محتوایی حدیث.

مقدمه

تقیه از جمله موضوعات مهم فقهی، اجتماعی و سیاسی مطرح از سوی فقها، مفسران و محدثان فریقین است. این موضوع- بر خلاف نظر برخی از عالمان اهل سنت- ویژه جریان فکری تشیع نبوده و تمامی فرق اسلامی به گونه‌ای آن را پذیرفته‌اند.

برخی از عالمان به درستی تأکید کرده‌اند که «تقیه نه منحصر به شیعه است و نه منحصر به مسلمانان، بلکه یکی از اصول اساسی عقلاست که هر جا اظهار عقیده باعث به هدر رفتن نیروها بدون هیچ‌گونه فایده باشد، از آن خودداری می‌کنند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۲۵)

چنان‌که اشاره شد، این موضوع در جهان اسلام و در دیدگاه عالمان مسلمان تمام فرقه‌های اسلامی، مجال بحث دارد. (صفری، ۱۳۸۱/ نیز ر.ک: عمیدی، ۱۴۱۶ق) اما در این مقاله، موضوع تقیه و محدوده تأثیر آن در فهم روایات از دیدگاه مولا محمدتقی مجلسی مطرح می‌شود.

واژه‌شناسی تقیه

لغت تقیه از ریشه «وقی یقی» به معنای مستور ساختن و نقطه مقابل آن «اضاعه» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۲، ص ۲۴۰) به معنای آشکار کردن است.

«وقوی» بر وزن «فعلی» از «وقیت» است که «واو» اول آن به «تاء» تبدیل شده و در صرف واژگان تقی و تقوی و تقیه و تقاة باقی مانده است. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۲۳۸)

واژه «وقی» و «توقیت الشیء» به معنای حذر و خودداری کردن و تقیه نیز به این معنا است که جمعی برای حفظ و پاسداشت یکدیگر، اظهار صلح و وفاق کنند، در حالی که در درون، مخالف آن‌اند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۴۰۱)

تقیه در اصطلاح فقها

فقهای عظام برای تقیه، تعاریف مختلفی ارائه کرده‌اند؛ از جمله شهید اول که تقیه را «روی خوش داشتن با مردم در باورهای ایشان برای امنیت جانی، و نپرداختن به

آنچه بدان باور ندارند، برای دوری از جار و جنجال‌هایشان» (شهید اول، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۵۵) می‌داند.

پس چون تقیه امری است که کتمان حقیقت، احتمال ضرر دینی یا دنیایی و اظهار زبانی با مخالفت درونی را همراه داشته باشد، آن را این‌گونه تعریف می‌کنیم: تقیه، گفتار و رفتاری بر خلاف اعتقاد و باور حق مؤمنان است که برای حفظ دین و دنیای خود انجامش می‌دهند.

تقیه در قرآن

در آیات قرآن کریم، به موضوع تقیه به طور مستقیم و غیر مستقیم، اشاره شده است. برخی از این آیات عبارت‌اند از:

۱. «لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ»^۱ (آل عمران: ۲۸)
شاهد ادعا در این آیه، استثنای «إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً» است، زیرا عالمان مسلمان، جمله استثناییه را دال بر تقیه دانسته‌اند.

علی بن ابراهیم قمی آورده است: «این آیه، اذنی است که ظاهرش بر خلاف باطن آن است و بر طبق ظاهرش عمل می‌شود و نه بر اساس باطن مگر هنگام تقیه، زیرا تقیه اجازه‌ای است به مؤمن تا وقتی کافری^۲ را می‌بیند، مانند او نماز و روزه به پا دارد. در واقع، به ظاهر تقیه می‌کند، ولی در درون، بر خلاف آن، به دین خداست.» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۰۰)

محمدتقی مجلسی نیز در تفسیر این آیه معتقد است که «در قرآن مجید، برای سب خدا و رسول، رخصت تقیه داده شده است.» (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۴۵۱)

۲. «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نحل: ۱۰۶)

۱. مؤمنان نباید کافران را - به جای مؤمنان - به دوستی بگیرند و هر که چنین کند، در هیچ چیز [او را] از [دوستی] خدا [بهره‌ای] نیست، مگر اینکه از آنان به نوعی تقیه کنید و خداوند، شما را از [عقوبت] خود می‌ترساند، و بازگشت [همه] به سوی خداست.

۲. در متون روایی شیعه هر گاه سخن از کافر به میان می‌آید، احتمال دارد مراد، غیر مسلمان و یا غیر شیعه باشد.

عبارت «إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ» مورد استناد برای صحت و جواز تقيه است. طبری (بی تا، ج ۱۴، ص ۱۲۲)، شأن نزول این آیه را عمار بن یاسر دانسته است. عیاشی نیز به نقل از امام صادق (ع)، شأن نزول آیه را عمار بن یاسر می داند و می گوید: «به خدا قسم، میثم از تقيه منع نشده بود و به خدا سوگند، می دانست که آیه إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ در حق عمار و یارانش نازل شده است.» (۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۲۷۱)

۳. «وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ» (غافر: ۲۸)

این آیه و آیات پیشین آن، به قضایای بنی اسرائیل و مؤمن آل فرعون اختصاص دارد و عبارت «يَكْتُمُ إِيمَانَهُ» برای اثبات جواز تقيه در قرآن به کار می رود. مفسران در تفسیر این آیه، کیستی مؤمن آل فرعون را مورد بحث قرار داده اند، اما آنچه در این مقاله اهمیت دارد، گزارش قرآن از شرایط ایمان و احوال اوست. زیرا مؤمن آل فرعون، با آنکه در دربار فرعون، از مقربان و صاحب شأن و مقام بود، به خدای واحد ایمان داشت و آن را از فرعون مخفی می کرد.

مفسران، کتمان ایمان مؤمن آل فرعون را از باب تقيه و آن را مجاز دانسته اند. - عبدالکریم خطیب، مفسر معاصر می نویسد: «مخفی کردن ایمان در این مورد به علت ضعف یا ترس نبود... از سر سیاستی حکیمانه و تدبیری محکم بود.» (بی تا، ج ۱۲، ص ۱۲۲۶)

- علامه طباطبایی نیز معتقد است: «مؤمن آل فرعون، مؤمنی قبطی و از خصیصان فرعون بود که فرعونیان از ایمان او بی خبر بودند و آن هم از باب تقيه بوده است.» (۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۳۲۸)

نتیجه تأمل در این آیات قرآن عبارت است از:

۱. تقيه، موضوعی عقلانی است که هنگام قدرت دشمن و مخاطره آمیز بودن وضعیت مسلمانان مورد تأیید قرآن کریم است.
۲. علاوه بر مسلمانان، پیروان سایر ادیان نیز تقيه کرده اند.

حفظ حرمت مسلمان و ضرورت تقیه از دیدگاه مجلسی

عالمان مسلمان برای اثبات ضرورت تقیه، دلایلی از آیات قرآن، سنت، عقل و اجماع (عمیدی، ۱۴۱۶، ص ۹۲) مطرح کرده‌اند، اما علامه مجلسی افزون بر این موارد، مؤمن را در پیشگاه خدای تعالی عزیز می‌داند و در صورت احتمال ضرر، انجام برخی از کارها را جایز نمی‌داند. (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۳، ص ۱۰۳)

تفاوت تقیه و اتقا

مجلسی بین دو اصطلاح تقیه و اتقا تمایز قایل شده است، زیرا اخبار، اکثر اوقات ناظر به اتقایند نه به تقیه، اما بیشتر اصحاب، میان این دو تفاوتی نگذاشته‌اند و فهم روایات برای آن‌ها مشکل شده است. (همو، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۲۰)

تقیه به معنای رعایت احتیاط برای حفظ جان و مال خود و اتقا یعنی رعایت احتیاط برای محافظت از جان و مال دیگران است. مجلسی، مصادیق تقیه و اتقا را به شرح زیر بیان می‌کند:

الف. اتقا و مصادیق آن میان آثار معصومین (ع)

۱. پاسخ به نامه‌ها

ائمہ (ع) در مکاتبات خود برای حفظ جان یاران خویش، جانب احتیاط را رعایت می‌کردند. یکی از نمونه‌های قابل توجه، سؤال از موضوع سجده است:

«... عریضه به خدمت آن حضرت صلوات الله علیه نوشتم و از سجده بر پنبه و کتان بی آنکه پای تقیه و ضرورتی در کار باشد، پرسیدم. حضرت فرمودند، جایز است.» (همان، ج ۳، ص ۴۴۹)

مجلسی در شرح این حدیث، پس از توضیح خطرات مکاتبات زمان ائمہ (ع)، درباره تقیه و اتقا می‌نویسد: «بسیار است که در وقت جواب، تقیه نیست و حضرات ائمہ هدی صلوات الله علیهم، رعایت حال ایشان می‌فرمایند که به ایشان ضرر نرسد.» (همان‌جا)

۲. سؤال از اوقات نماز

موضوع زمان برپاداشتن نماز صبح و مغرب از جمله موضوعات اختلافی میان مسلمانان است. علاوه بر این، اهل سنت به بهانه زمان اقامه نماز، شیعیان را آزار

می دادند، اما نسبت به دیگران در این باره حساسیتی نداشتند. لذا امامان(ع) نیز در پاسخ سنیان به این موضوع، اجازه اقامه نماز در وقت طلوع و غروب را داده، لیکن برای شیعیان چنین اجازه‌ای را نداده‌اند، زیرا به نظر مجلسی، شیعیان را آزار می دادند و با دیگران کاری نداشتند. (همان، ج ۵، ص ۲۲۰)

۳. ازدواج موقت

علامه مجلسی بر خلاف نظر برخی از دانشمندان که متعه را به بهانه برخی از منابع روایی، از جمله چهار ازدواج دایمی قرار داده‌اند و آن را از باب تقیه شمرده، می گوید: «موضوع در حضور شیخ بهایی مطرح شد و من گفتم منظور عالمان از تقیه، اتقا است و او نیز سخن من را تأیید کرد.» (همانجا)

ب. تقیه و مصداقی برای آن

افطار یوم الشک از جمله موارد دارای اهمیت سیاسی برای حاکمان مسلمان بوده است و همراهی شیعیان با وقت رسمی اعلام شده از سوی خلیفه، بر نوعی پذیرش نظام حاکم دلالت داشت، لذا امام صادق(ع) با لحاظ این حساسیت، برای تحریض شیعه به تقیه، خود نیز روزه یوم الشک را افطار می کردند و برای جلوگیری شیعه از سهل انگاری در موضوع تقیه، می فرمودند: «روزه یک روز از ماه رمضان را خوردن، بهتر از قتل معصومی است که عالم به وجود او برپاست ...» (همان، ج ۶، ص ۴۵۱)

پس موضوع تقیه در خصوص حفظ خود گوینده، ولی اتقا درباره حفظ جان دیگران است. بنابراین لازم است هنگام ملاحظه احادیث امامان(ع)، بین تقیه و اتقا تفاوت گذاشته شود تا موجب خطای در فهم نگردد.

درجات مردم و تقیه

تقیه در میان اقشار مختلف مردم، جایگاه و نسبت یکسانی ندارد، بلکه به تناسب فهم و آگاهی آن‌ها از معارف دینی، متفاوت است.

برای نمونه، فقها و عالمان شیعی می دانند که شهادت سوم در اذان از ارکان اذان نبوده، و ذکر آن را به نیت قربت جایز دانسته‌اند، ولی چون در میان مردم رواج یافته است و اگر کسی آن را ترک نماید، متهم به تسنن می شود، لازم است در هنگام اذان گفته شود.

مجلسی با علم به این موضوع، ضمن رعایت شرایط محیطی و اجتماعی، تصریح دارد که باید مراتب علمی و اعتقادی مردم و مخاطبین را رعایت نمود. او پس از اقرار به حقانیت علی(ع) و تصریح به رعایت نص در اذان می‌نویسد: «اگر نگویند بهتر است مگر از روی تقیه، چون در اکثر بلاد شایع است و بسیار شنیده‌ایم که جمعی ترک کرده‌اند و متهم به تسنن شده‌اند.» (همان، ج ۳، ص ۵۶۶) پس درجات علمی مخاطبان در عمل به یک حکم توسط گروه دیگری از مردم، تأثیرگذار است.

نشانه‌های تقیه در حدیث

مجلسی برای شناخت احادیث مشتمل بر تقیه، گاهی به سند و گاهی به متن آن‌ها اعتنا نموده و برای هریک، نشانه‌ها و نمونه‌هایی را به شرح زیر ارائه کرده است:

۱. نشانه‌های تقیه در سند

انتساب حدیث به امام قبلی و حضور راویان عامی یا ضعیف در سند احادیث، از راه‌های شناخت احادیث تقیه‌ای بر اساس سند است.

۱-۱. انتساب حدیث به امام پیش از خود

کلام امامان(ع) موجب هدایت است و از منبعی واحد سرچشمه گرفته است؛ حال اگر کلامی از ائمه(ع) با روح کلی احادیث آنان متفاوت بوده و به امام پیشین منتسب شده باشد، حاکی از تقیه است.

امام صادق(ع) در موضوع سهم امام و خمس که به پدرشان نسبت داده‌اند، در حدیثی چنین فرموده‌اند:

«پدرم علیه السلام این گونه می‌فرمود و برای ما در این مال جز دو سهم چیزی نیست، سهم رسول(ص) و سهم خویشاوندان، پس ما شریک مردم در باقیمانده هستیم.» (همو، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۳۷)

مجلسی پس از نقل حدیث بالا نوشته است: «ظاهراً ورود این حکم به دلیل قرینه انتساب به پدر امام(ع) حاکی از تقیه است.» (همان‌جا)

۲-۱. حضور راوی عامی مذهب در سلسله سند

عالمات متأخر شیعی یکی از شرایط صحت خبر را امامی بودن همه راویان

دانسته، به افراد عامی مذهب با نگاه نقادانه می‌نگرند. غیاث بن ابراهیم از راویان دو روایتی است که در خصوص شهادت زنان از امام علی بن ابی‌طالب (ع) نقل شده و هر دو روایت شبیه به هم‌اند. یکی از آن‌ها چنین است:

«از غیاث بن ابراهیم، از جعفر بن محمد، از پدرش، از علی (ع) گزارش شده است: "گواهی زنان در حدود و قصاص جایز نیست." مجلسی هر دو حدیث را به دلیل قرینه حضور راوی عامی مذهب، دال بر تقیه دانسته و نتیجه می‌گیرد که به علت حضور راویان عامه، سخن امام (ع) به شکل استفهام انکاری بیان شده است. (همان، ج ۶، ص ۱۴۲)

۲. نشانه‌های تقیه در متن و محتوای حدیث

عالمان شیعی در بررسی موضوع تقیه در کلام امامان (ع)، ضمن توجه به ابعاد سندی، به نشانه‌های متنی و محتوایی توجه بیشتری کرده‌اند. برخی از مصادیق نشانه‌های محتوایی در آثار مجلسی عبارت‌اند از:

۲-۱. امر به سکوت

در برخی احادیث مشاهده می‌شود که معصوم (ع) دستور فرموده از سخن گفتن پرهیز کن یا هر آنچه می‌دانی، بازگو نکن. مجلسی در شرح این سخن معصوم (ع) «بل لا تقل کل ما تعلم» (بلکه هر آنچه را می‌دانی نگو)، می‌نویسد: «از آنجا که این جمله، تقیه را در جایگاه‌های خود واجب می‌سازد، یا به سبب اینکه غیر از معصوم (ع) به حق و حقیقت آگاهی ندارند، پس سکوت در بیشتر جایگاه‌ها بهتر است.» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۵۲۸)

۲-۲. قیاس در حدیث

یکی از منابع فقه اهل سنت، قیاس است که اهل بیت (ع) به شدت با آن مخالفت کرده و آن را از جمله کارهایی دانسته‌اند که توسط شیطان ابداع شده است. حدیث زیر از جمله مواردی است که به علت شباهت با اهل سنت، تقیه به حساب آمده، پذیرفته نمی‌شود. در روایتی وارد شده است که «کافور را در دهن و گوش‌ها و چشم و سر و ریش مرده بریز و بمال و همچنین مشک را بر سینه و فرج او بریز و

مرد و زن در این کار مساوی‌اند ... و اظهر آن است که این امر را حمل بر تقیه کنند، زیرا که عامه بر این‌اند که چنین می‌باید کرد، چون کافور، اعضا را به هم می‌آورد، انسب این است که در اینجاها بگذارند تا از اینجا چیزی بیرون نیاید و این غلط است، زیرا که از چشم و گوش متعارف نیست که چیزی بیرون آید؛ پس قیاس ایشان به مواضعی دیگر، باطل است و مع الفارق، زیرا که علت احکام مخفی است.» (همو، ۱۳۷۶ش، ج ۲، ص ۲۵۷)

۳-۲. تعارض حدیث با آیه محکم یا خبر متواتر

وجود اخبار متعارض و تلاش برای برطرف کردن آن‌ها، کاری پیچیده و ظریف است. علامه مجلسی به عنوان شارح حدیث، تلقی تقیه را یکی از راه‌حل‌ها دانسته، معتقد است که این اخبار باید با احادیث متواتر و محکم در تعارض نباشد. (البته او تقیه را حتی در برخی از احادیث که به مرز تواتر هم رسیده باشد، نفی نمی‌کند.) برای نمونه درباره سهو النبی، پس از طرح مطالب شیخ صدوق می‌نویسد: «هر چند سهو در احادیث بسیار واقع شده است، لیکن آنچه به ما رسیده به مرتبه تواتر نرسیده است و بر تقدیر تواتر، ممکن است که محمول بر تقیه باشد با آنکه حدیث معارض نیز دارد.» (همان، ج ۴، ص ۳۰۳) یا در شرح حدیث متواتر غسل زیارت می‌نویسد: «از غسل زیارت سؤال کردند که آیا زیارت غسل دارد؟ فرمودند که نه و محمول است بر تقیه یا نفی وجوب، چون غسل زیارت متواتر است.» (همان، ج ۸، ص ۵۴۰)

همچنین وی درباره حدیث مخالف با قرآن درباره سهام خمس نوشته است: «در اینجا سهم پیامبر اسلام (ص) ذکر نشده و ظاهر این است که به علت تقیه است.» (همو، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۱۷) و در ادامه می‌نویسد: «مؤید تقیه است زیرا هنگامی که پیامبر (ص) سهم خدا را دریافت می‌کند، چگونه است که سهم خویش را نمی‌گیرد؟» (همان‌جا)

۴-۲. ابهام در حدیث

سنت، مفسر قرآن و در پی تبیین نکات دقیق معارف الهی و احکام عملی و در نتیجه، لازم است واضح و صریح باشد و باید پژوهشگر در کلام اهل بیت (ع)، عالمانه در پی رفع کژتابی‌ها و گره‌های معنوی آن برآید.

بنابراین، هرگاه حدیثی مبهم باشد، باید علت آن را یافت. این ابهام معمولاً به سه شکل کلی‌گویی، طرح چند دیدگاه مختلف و ذکر وجوه گوناگون به شرح زیر می‌باشد:

۴-۲-۱. کلی‌گویی در حدیث

سخنی که امکان برداشت‌های مختلف را داشته باشد، کلامی مبهم است. مجلسی در شرح حدیثی که از امام رضا(ع) دربارهٔ پاشیدن دارو در چشم روزه‌دار پرسیدند، و ایشان فرمودند: «هر گاه افطار کند، دارو را بپاشد.» (همو، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۳۷۰) می‌نویسد: «عامه در مرض و سفر روزه می‌گیرند. اکثر این سؤال‌ها از آن حضرت در خراسان می‌شد و همیشه مجلس آن حضرت پر بود از علمای اهل سنت. حضرت به عنوانی جواب می‌فرمایند که سنیان موافق مذهب خود و شیعیان موافق مذهب ائمه هدی صلوات الله علیهم بفهمند.» (همان، ج ۶، ص ۳۷۱) پس امام(ع) به گونه‌ای پاسخ داده‌اند که مخاطب شیعه و سنی متناسب با عقیده خود برداشت نماید، یعنی شیعه که در مرض و سفر مفطر است، می‌تواند همان زمان دارو را در چشم بپاشد و سنی که در بیماری و سفر صائم است، پس از غروب دارو را استعمال نماید.

۴-۲-۲. دیدگاه‌های مختلف

ذکر دیدگاه‌های مختلف دربارهٔ موضوع مورد بحث، حاکی از نوعی ابهام و عدم صراحت در کلام امام(ع) و به باور مجلسی، چنین حالتی، نشانگر آن است که امکان بیان نظر صریح برای امام(ع) وجود نداشته است. لذا گوینده، نظر خود را در کنار نظرات دیگران مطرح کرده و این نشانهٔ تقیه است.

امام صادق(ع) فرمودند: «مقدار قبر تا استخوان گردن (ترقوه) است و برخی از آنان (اهل سنت) گفته‌اند تا سینه و برخی دیگر گفته‌اند به اندازه قد مرد است تا جایی که لباس را بر سر مرده بکشند و اما لحد را به اندازهٔ نشستن در آن بزرگ می‌کنند.» (همان، ج ۲، ص ۴۰۳)

مجلسی در ادامه، در شرح این حدیث می‌نویسد: «این نحو کلام، وقتی از ایشان

صادر می‌شود که سنی حاضر باشد چنان‌که اکثر اوقات جمعی کثیر از سنیان، به بهانه شنیدن حدیث در مجلس ایشان بوده‌اند.» (همان، ج ۲، ص ۴۰۳)

۲-۴-۳. بر زبان آوردن سخن دو پهلوی

برخی از مواقع، متکلم در سخن خود با آوردن ضمیر، به نحوی سخن می‌گوید که در عین آنکه امکان ارجاع ضمیر به نزدیک‌ترین مرجع هست، می‌توان آن را به مراجع دیگر پیشین نیز بازگرداند. بنا بر عقیده مجلسی، اقتضای تقیه آن است که به عبارت‌های دو وجهی سخن گفته شود. (همو، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۵)

مشروح این سخن و کلام معصوم(ع) به شرح زیر در مورد نصاب زکات شتر و گوسفند است، زیرا نصاب شتر هنگامی که از میزان معینی می‌گذرد، وضعیت تغییر کرده و به دندان‌های شتر ارجاع می‌شود. حال سؤال این است که آیا این ارجاع، شترهای جذعه و بنت لبون و حقه را در بر می‌گیرد، یا تنها بنت لبون و حقه را؟

امام(ع) به گونه‌ای سخن گفته‌اند که هر سه دسته شتر را در بر می‌گیرد و این مقتضای تقیه است: «وقتی به ۱۲۰ شتر رسید، زکات آن دو شتر حقه طروقة الفحل و اگر بیش از ۱۲۰ شد، در هر ۵۰ شتر، یک حقه و در هر ۴۰ شتر، یک بنت لبون است. سپس به دندان‌های شتر ارجاع داده می‌شود.» (همان‌جا)

مجلسی می‌نویسد: «سخن امام(ع) (ثمَّ ترجع الإبل علی أسنانها) مؤید تقیه است، زیرا ظاهراً حد نصاب به مذهب برخی عامه بازگشته، اگرچه می‌توان آن را بر بنت لبون و حقه بازگرداند تا به جذعه بالاتر نرسد و همین هم مراد واقعی امام است، مقتضای تقیه، سخن گفتن چند وجهی است.» (همان، ص ۵۶)

۲-۵. اضطراب و تشویش متن

کلام اهل بیت(ع) همراه با صلابت، استواری و هماهنگی است ولی اگر در سخن یا سخنان منسوب به آنان، مفاهیمی حاکی از پریشانی و اضطراب دیده شود، لازم است به وجهی شایسته تبیین گردد. به همین دلیل، علامه مجلسی کلامی را که دارای اضطراب و تشویش باشد، نمادی از تقیه دانسته است. وی نقل می‌کند: «از دو امام همام، امام باقر و صادق(ع) سؤال می‌شود که ما لباس‌هایی را از غیر

مسلمانان خریداری می‌کنیم که بافندگان آنها، هنگام بافتن و دوختن، شراب نوشیده یا گوشت خوک خورده‌اند و دست آنان به چنین نجاساتی آلوده بوده و ممکن است به وسایل بافندگی و دوزندگی و کالاها نیز رسیده باشد. آیا قبل از شستشوی چنین کالاهایی با آنها نماز بگزاریم یا نه؟

امام (ع) می‌فرمایند: "بله اشکالی ندارد، زیرا خدای تعالی، خوردن و آشامیدن آنها را حرام کرده است، ولی پوشیدن، دست زدن و نماز گزاردن در آن را حرام نکرده است." (همو، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۳۲۳)

علامه مجلسی در شرح این حدیث معتقد است که ظاهرش با حدیث صحیح دیگر که دلالت بر نجاست دوچندان خوک دارد، در تعارض است. در نتیجه، این حدیث را دال بر عدم آگاهی یهود و نصاری نسبت به نجاست خوک و شراب دانسته، زیرا آنان همیشه با خوک و شراب مرتبط‌اند و آخر حدیث را به معنای عدم منع اقامه نماز در چنان البسه‌ای دانسته است. نکته دیگر اینکه بیشتر عامه گوشت و چربی خوک را پاک می‌دانند و این موضوع، خود موجب تقیه است. بنابراین، متن حدیث مشوش شده است. (همان، ج ۳، ص ۳۲۴)

پس احادیثی که متن آنها مشوش، هماهنگ با عقاید عامه و در تعارض با احادیث صحیح دیگر باشد، مضطرب بوده، از باب تقیه وارد شده است.

۶-۲. حدیث دارای استفهام انکاری

هر گاه لحن متکلم از استفهام انکاری حکایت کند، محتمل است که پاسخ سؤال را بداند ولی چون با دیدگاهش هماهنگ نیست و مصالحی وجود دارد، مطلب را به شکل استفهام انکاری بیان کند. مصادیق زیر حاکی از استفهام انکاری و نشانه تقیه است.

۶-۲-۱. تکبیرهای پنج‌گانه بر پیکر ابراهیم

مجلسی، حدیث ذکر پنج تکبیر بر جنازه ابراهیم، فرزند پیامبر اکرم (ص) را که از امام محمد باقر (ع) نقل شده است، غریب و به فرض صحت، دارای استفهام انکاری دانسته و نوشته است: «ممکن است بر تقدیر صحت که تقیه فرموده باشند به عنوان استفهام انکاری، یعنی شما سنیان چنین می‌گویید و غلط است و این نحو از تقیه، بسیار است.» (همان، ج ۲، ص ۳۷۵)

۲-۶-۲. شهادت زنان در حدود و قصاص

گواهی زنان از جمله مصادیق این بحث است. مجلسی پس از نقل سخن امام علی(ع) که فرمودند: «شهادت زنان در حدود و قصاص پذیرفته نیست» (همو، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۱۴۲)، می‌نویسد: «مورد بحث (احادیث) با قرینه دو راوی پایانی، محمول بر تقیه و به دلیل عامی بودن راویانش، دارای استفهام انکاری است.» (همان‌جا)

۲-۷. وجود قرینه دال بر شباهت با عامه

تفاوت منابع فقه شیعه و اهل سنت و ادله استنباط احکام، موجب تفاوت نتایج یعنی فتاوی مستنبطه فریقین است. همان‌طور که در تعریف تقیه بیان شد، فرد تقیه‌کننده معمولاً خود را با وضعیتی متفاوت با عقیده و روش‌های مذهبی خویش هماهنگ می‌سازد تا جان و مالش از خطر در امان بماند. پس هر فرد شیعه هنگام تقیه، با معیارهای مذهب عامه عمل می‌کند. بنابراین، یکی از ملاک‌های تشخیص تقیه در حدیث، وجود شباهت با احکام و فتاوی اهل سنت است، زیرا با وجود چنین قراینی، احتمال تقیه تقویت می‌شود، مانند:

۲-۷-۱. صحت نماز مرد، روبه‌روی زن

اقامه نماز مرد، کنار زن یکی از موارد اختلافی است. در این باره، حدیثی از امام صادق(ع) نقل شده است: «... باکی نیست که زن نماز کند محاذی مردی که نماز کند؛ به درستی که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله نماز می‌کردند و عایشه در برابر آن حضرت خوابیده بود بر پهلو و حایض بود و چون حضرت می‌خواستند که سجده کنند، پای او را می‌فشردند تا پا را بردارد و حضرت سجده کند.» (همو، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۳۱۶)

مجلسی، حمل حدیث را بر تقیه اظهر می‌داند چون اهل سنت، اجازه نماز فردی و جماعت را در مقابل زن داده‌اند و این شباهت، احتمال تقیه را تقویت می‌کند. وی آورده است که ظاهر این حدیث، جواز اقامه نماز در مقابل زن است و در صورتی که یک وجب فاصله باشد یا حایل یا ده ذرع از سه طرف دیگر باشد، می‌توان آن را

بر صحت حمل کرد، چنان‌که در اخبار صحیحہ گذشت، و البته حمل بر تقیه ظاهرتر است... (همان‌جا)

۲-۷-۲. خوشبو کردن اموات مانند زندگان

استفاده از خوشبوکننده‌ها برای زنده‌ها، امری پسندیده و مطلوب، اما برای اموات، مذموم دانسته شده است. «حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله نهی فرمودند از آنکه مجمره از پشت جنازه ببرند. ... از حضرت امام محمد باقر(ع) وارد شده است که آتش نزدیک مردگان خود مبرید یعنی دخنه به عود و امثال آن مکنید.» (همان‌جا)

ولی در حدیثی منسوب به امام صادق(ع)، معطر کردن کفن میت با عود مجاز شده است: «باکی نیست بدود کردن به عود کفن میت را و سزاوار آن است که هر کس که قدرت داشته باشد، جام‌های خود را خوشبو سازد به دخنه.» (همان، ج ۲، ص ۲۵۴)

دقت در فراز پایانی عبارت امام(ع) «هر کس که قدرت داشته باشد ...» مشخص می‌کند که امام(ع) سخن را به نحوی دو پهلوی بیان نموده و در ظاهر، بین مرده و زنده هماهنگی ایجاد کرده است و یا به عبارتی دیگر، شیعیان که اجازه خوشبو ساختن مرده را منحصر در کافور می‌دانند، این عبارت را به زندگان بازمی‌گردانند و اهل سنت که مرده و زنده را یکسان پندارند، به اموات بازمی‌گردانند. پس در قسمت آخر حدیث، قرینه تقیه ظاهر است، زیرا حال زنده و مرده را مانند سنیان با هم برابر دانسته است. (همان‌جا)

۸-۲. توافق با دیدگاه‌های عموم مردم

امامان در دوران امامت خویش، در پی اصلاح امور و امر به معروف و ارشاد مردم بوده‌اند و هر گاه مردم فرمان‌هایشان را نمی‌پذیرفتند، با روند کلی عموم مردم مخالفت بیشتری نمی‌کردند. بنابراین، لازم است هر حدیث پژوه و فقیهی، در مواجهه با احادیث، از مسائل اجتماعی و علایق فرهنگی و دینی مردم عصر معصوم آگاه باشد تا بتواند حکم و حقیقت مراد او را دریابد.

نماز تراویح و عزم امام علی(ع) برای مقابله با آن. از یک سو و مقابله مردم از سویی دیگر، یکی از این مصادیق است: «حضرت، امام حسن(ع) را فرستاد که بدعت است، ترک کنید. همگی فریاد برآوردند که وا همراه، حضرت فرمودند که هر چه خواهند، بکنند.» (همان، ج ۲، ص ۳۷۷)

در ادامه حضرت علی(ع) دلیل وانهادن مردم را بیان می‌کنند: «اگر من بدعت‌هایی که گذاشته‌اند برطرف کنم، هر آینه همه از من متفرق خواهند شد مگر قلیلی که مرا شناخته‌اند و فضیلت مرا از کتاب خدا دانسته‌اند.» (همان، ج ۲، ص ۳۷۸)

علامه مجلسی، تقیه علی(ع) را در انجام اموری مثل نماز تراویح ممکن می‌داند و می‌نویسد: «پس ممکن است بر تقدیر وقوع که حضرت تقیه فرموده باشند، چون پیش‌تر، آن کسان این بدعت را گذاشته بودند و حضرت از انکار اصحابش، خائف بوده باشد.» (همان‌جا)

امام صادق(ع) نیز در خصوص امکان تقیه در سخنانی که به قول مردم شباهت دارد، خطاب به زراره می‌فرمایند: «آنچه از من شنیدی و به دیدگاه مردم شباهت داشت، دارای تقیه است و آنچه شباهت نداشت، چنین نیست.» (همو، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۱۴۲)

شرایط تقیه

تعیین شرایط وجوب تقیه از نکات مهم و قابل اعتناست. مجلسی در این راستا، برای اجرای تقیه دو شرط- شرایط اضطراری و طبقه‌بندی مخاطبان سخن- را مطرح کرده و نقش عمده‌ای در الزام به تقیه برای آن‌ها قائل است. بنابراین، موارد مزبور را به شرح زیر توضیح می‌دهیم:

۱. شرایط اضطراری

وضعیت غیر عادی و برخلاف سیر طبیعی امور، موجب پیش آمدن شرایط اضطراری می‌شود.

مجلسی با ذکر احادیثی مانند «تقیه، سپر مؤمن و حرز و حافظ او است و در هر چه مضطر شود، در آن تقیه هست و واجب است.» (همان‌جا) اهمیت و شرایط تقیه

را بیان می‌کند و اضطرار و تقیه را ملازم یکدیگر می‌داند. وی در آثار خود، نمونه‌های زیادی از سنت معصومین(ع) را به عنوان مصادیق اضطرار آورده است که به برخی از آن‌ها در ادامه اشاره می‌نماییم.

۱-۱. روزه یوم الشک

ائمه(ع) برای رعایت احتیاط، یوم الشک را روزه می‌داشتند و این موضوع موجب شده بود که حاکمان عباسی، مردم و شیعیان را مراقبت نمایند تا پیروان اهل بیت(ع) از باورمندان سایر مذاهب، متمایز و زیر نظر باشند.

امام صادق(ع) در مقابله با نقشه حاکمانی چون منصور دوانیقی، به افطار این روزه دستور داده، حتی خود همراه بقیه غذا خورده، فرموده است: «می‌خورم با آنکه می‌دانم که به حسب واقع، از ماه است.» (همو، ۱۳۷۶، ج ۹، ص ۴۵۱) ایشان در ادامه، به موضوع تقیه در سوره آل عمران اشاره دارند که «در سب خدا و رسول، رخصت تقیه داده شده است که الا ان تتقوا منهم تقاة.» (همان‌جا)

پس چگونه می‌توان پذیرفت که تقیه هنگام سب خدای یگانه و رسول وی، محتمل باشد، اما افطار یوم الشک در شرایط تقیه ممکن نباشد!

۲-۱. سجده بر گلیم و قالی

موضوع سجده، یکی از رفتارهایی است که اهل سنت و حاکمان آن‌ها نسبت به آن حساسیت داشته‌اند، به نحوی که از دیدگاه آنان، یکی از معیارهای تشخیص شیعه از دیگران تلقی شده است، اما امامان بزرگوار شیعه، با دقت کامل این توطئه را بی‌اثر کرده‌اند.

امام کاظم(ع) با عنایت به این موضوع، به علی بن یقطین در مسئله سجده بر فرش می‌فرماید: «هنگامی که در حال تقیه باشند، اشکالی ندارد.» (همان‌جا)

مجلسی، علاوه بر گلیم و فرش، مسئله سجده بر لباس و قیر در کشتی را نیز با ذکر احادیث، مورد بحث قرار داده، استدلال خود را به این تلقی اهل سنت مستند می‌نماید که ایشان علامت تشیع را چیزی می‌دانسته‌اند که بر آن سجده می‌شده است، لذا «حضرات مبالغه فرموده‌اند که بر این‌ها سجده بکنند که مبادا ضرری به ایشان رسد.» (همان، ج ۳، ص ۴۶۱)

۳-۱. اوقات نماز

از جمله راه‌های تشخیص مذاهب فقهی از یکدیگر، چگونگی تعیین اوقات شرعی نماز است. ائمه (ع) با علم به اختلاف مذاهب در این موضوع، از سر دلسوزی برای شیعه، اوقات نماز را به اجمال بیان می‌کردند. و حتی به قول مجلسی، «از باب شفقت بر شیعیان مختلف می‌فرمودند که اظهار نظرات مختلفی صورت گرفته تا مبدا به ایشان ضرری رسد.» (همان، ص ۱۴۲)

۴-۱. نماز جمعه

آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تُوذِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (جمعه: ۹) مؤمنان را به برپایی نماز جمعه موظف نموده است. اقامه این فریضه از صدر اسلام تا کنون، همواره مورد عنایت بوده و حاکمان جامعه اسلامی که خود را خلیفه رسول خدا (ص) می‌شمردند، حضور مردم را نماد پشتیبانی و بیعت با خود و حتی نشانه حقانیت حاکم جامعه اسلامی می‌دانستند.

بنابراین، در دوران امویان و به ویژه عباسیان، حاکمان توجه داشته‌اند چه کسانی در نماز جمعه حضور دارند و چه کسانی غایب‌اند.

امامان (ع) علاوه بر یادآوری اهمیت نماز جمعه، برای حفظ و حراست پیروان خویش، آنان را به حضور در نماز جمعه حتی با امامت حاکمان غیر عادل نیز دعوت می‌کردند و خود نیز حاضر می‌شدند.

«منقول است از حضرمی که گفت: "عرض نمودم به خدمت حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که شما در روز جمعه چه می‌کنید؟ حضرت فرمودند که تو چه می‌کنی؟ من عرض نمودم که نماز را در خانه خود می‌کنم و بعد از آن می‌روم و با ایشان نماز می‌کنم از روی تقیه حضرت فرمودند که من نیز چنین می‌کنم..."» (همان، ج ۴، ص ۵۱۳)

البته حد و مرز اضطرار تقیه آن است که مستلزم قتل به ناحق نباشد زیرا هرگاه پای کشته شدن مؤمن به میان آید، تقیه‌ای در کار نیست.» (همو، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۹)

۲. طبقه‌بندی مخاطب سخن

دومین شرط تقیه، طبقه‌بندی وضعیت مخاطبان سخن است، لذا نویسندگان متبحر و سخنوران بلیغ و هوشیار، همواره هنگام ایراد مطالب، نکاتی چون سطوح اندیشه، شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی مخاطبان را رعایت می‌کنند. پاسخ ائمه(ع) را به مخاطبان خویش، در دسته‌بندی سه‌گانه زیر ارائه می‌نماییم.

۱-۲. مباحثات و مناظرات

دوران حضور امام رضا(ع) در طوس، دوره‌ای است که حاکمیت عباسی با اهداف گوناگونی، به راه‌اندازی مجالس بحث و گفتگوی مسلمانان با دیگر مذاهب اقدام می‌نمود. بنابراین، امام هشتم(ع) در جلسات بین ادیانی، به دنبال اثبات حقانیت اسلام، و در جلسات بین مذاهب اسلامی، در پی بیان حقایق شیعی بودند به نحوی که حاکمان مستمسکی علیه مکتب تشیع نداشته باشند. در نتیجه، امام(ع) در جلسات درون‌دینی که لازم است حفظ جان شیعیان مد نظر باشد، به نحوی که اهل سنت مطابق مشرب خویش برداشت نمایند و شیعه متناسب با مکتب خود، سخن را دو پهلوی بیان می‌فرمودند. موضوع زیر یکی از مصادیق راهبرد تقیه‌ای ائمه(ع) است:

- درد چشم و استعمال دارو هنگام روزه

بر اساس برخی از احادیث، استعمال دارو در چشم توسط روزه‌دار بدون اشکال است، مانند حدیثی که از امام صادق(ع) نقل شده است: «کالصحیح منقول است از عبدالله که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از سرمه روزه‌دار. فرمودند که باکی نیست، زیرا که طعامی نیست که آن را بخورند.» (همو، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۳۷۱)

با توجه به مقدمه مذکور، در خراسان از رضا(ع) نیز سؤال می‌شود آیا می‌توان در ماه رمضان، در چشم کسی که درد دارد، دارو ریخت؟ امام(ع) می‌فرمایند: «هرگاه افطار کند، دارو را بپاشد.»

مجلسی در توضیح این حدیث می‌نویسد: «همیشه مجلس آن حضرت صلوات الله علیه پر بود از علمای اهل سنت. حضرت به عنوانی جواب می‌فرمایند که سنیان موافق مذهب خود و شیعیان موافق مذهب ائمه هدی

صلوات الله علیهم، بفهمند و محتمل است که مراد این باشد که در شب، دارو بر چشم کند استحباباً.» (همان جا)

۲-۲. جلسات خصوصی

امامان(ع) هر گاه در موقعیتی بودند که فقط یاران خاص ایشان حضور داشتند، حقیقت کامل سخن را مطرح می‌ساختند و احتمال تقیه در چنین مواضعی برطرف می‌شد. اگر بتوان یاران صدیق ائمه(ع) را شناخت و موقعیت بیان احادیث را کشف نمود، می‌توان حکم کرد که یک حدیث به علت آنکه مخاطب از یاران امام(ع) است، فاقد شائبه تقیه است و به آن عمل می‌شود.

- پرسش اختصاصی علی بن جعفر از زکات عبد مکاتب

یکی از یاران خاص امام موسی بن جعفر(ع)، برادر گرامی ایشان، علی بن جعفر(ع) است. وی نزد امام هفتم(ع) و اندرون خانه ایشان حضور داشت و به همین دلیل، احادیث منقول از وی بدون تقیه است. نمونه‌ای از آن‌ها چنین است: علی بن جعفر(ع) از امام هفتم(ع) سؤال می‌کند: «درباره عبد مکاتب، آیا زکات فطره ماه رمضان بر عهده کسی است که با او قرارداد بسته و آیا شهادتش جایز است؟ امام(ع) در پاسخ می‌فرماید: فطره بر عهده مکاتب است ولی شهادتش جایز نیست.» (همان، ج ۶، ص ۶۶۷) در ادامه، مجلسی به نقل از صدوق می‌نویسد: «این پاسخ بر سبیل استفهام انکاری بوده است و مراد امام(ع) این بود که چگونه فطره باشد و شهادتش مسموع نباشد؟»

اما مجلسی در سخن صدوق خدشه وارد کرده، آن را عاری از تقیه می‌داند، زیرا «حق این است که تقیه در احادیث علی بن جعفر(ع) کم است چون همیشه در خدمت حضرت بود و اندرون خانه راه داشت. ممکن بود او را که هر سؤالی داشته باشد، در خلوت سؤال کند و از جهت این است که احادیث او از تقیه سالم است.» (همان، ج ۶، ص ۶۶۸)

۳-۲. نامه‌ها

انسان همواره و در همه زمان‌ها به نوشته‌ها، حساسیت و توجه بیشتری داشته است، زیرا یک سند رسمی تلقی می‌شود و نویسنده تلاش دارد به نوعی بنویسد که

از هر گونه حساسیت و مشکل آفرینی پیشگیری نماید. این موضوع زمانی حساس تر می شود که نویسنده تحت مراقبت حاکمان سیاسی باشد و هیچ حرکت او از چشم ایشان به دور نباشد.

بنابراین، از دوران امام هشتم (ع) به بعد که حاکمان عباسی به دنبال اعمال مراقبت شدیدتر بر امامان شیعه بودند و تلاش می کردند تا به هر بهانه ای ایشان را نزد خویش تحت نظر داشته باشند، نامه نگاری ها و نامه رسانی ها با سخت گیری ها و حساسیت های بیشتری روبه رو بود.

برای توضیح مسئله حساس نامه ها و پاسخ گویی به آن ها، سؤال حسین بن سعید از امام هشتم (ع) را مطرح می کنیم. حسین بن سعید سؤال می کند هنگام برداشتن تابوت میت آن را از کدام سو بردارند؟ امام (ع) در جواب مرقوم می فرمایند: «از هر طرف که بخواهند».

مجلسی در شرح این حدیث، معتقد است اخبار مزبور بدین صورت جمع می شود که واجب نبوده، و حمل بر تقیه یا اتقا اظهر است، به خصوص در نامه های امام رضا (ع) تا آخرین امام (عج) و به همین دلیل، امامان برای جلوگیری از شناسایی شیعیان و آسیب رسیدن به ایشان، نامه های خود را با تقیه یا اتقا نوشته اند. (همان، ج ۲، ص ۳۱۷)

نتیجه گیری

از بررسی نقطه نظرات محمد تقی مجلسی چنین برمی آید که:

۱. تقیه، گفتار و رفتار متفاوت با باور حق درونی مؤمنان است که برای حفظ دین و دنیای خود در زمان اضطراب، رخ می دهد.
۲. اتقا، تلاش برای حفظ جان و مال برادران دینی، با کتمان حقیقت و اظهار نظری خلاف باور درونی خود است.
۳. بررسی روایات تقیه ای و دقت در تعیین جایگاه روایت از حیث تقیه یا اتقا، به فهم دقیق ما از روایت کمک خواهد کرد.
۴. ائمه پس از امام کاظم (ع)، گاهی نامه های خود را با روش اتقای مؤمنان پاسخ داده اند.

۵. جایگاه تقیه با میزان درک و فهم متفاوت مردم، مرتبط است.
۶. شناخت نشانه‌های سندی و متنی از قبیل حضور راوی عامی و امر به سکوت یا ابهام در حدیث، برای تشخیص احادیث تقیه‌ای اهمیت دارد.
۷. احتمال استفهام انکاری در متن حدیث، حاکی از وجود تقیه در حدیث است.
۸. مجلسی، اضطرار را یکی از عوامل رخ دادن تقیه می‌داند. مصادیقی چون حضور امام باقر(ع) در نماز جمعه، حاکی از تقیه است.
۹. حضور مخاطبان متعدد با دیدگاه‌های فکری و مذهبی مختلف در مجالس امامان(ع)، از موجبات بروز تقیه آنان بوده است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ ج ۳، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۳. خطیب، عبدالکریم؛ التفسیر القرآنی للقرآن؛ بی جا، بی تا، (با استفاده از نرم افزار جامع تفاسیر نور).
۴. شهید اول، محمد بن مکی عاملی؛ القواعد و الفوائد؛ تصحیح سید عبدالهادی حکیم؛ الطبعة الاولى، قم: مکتبه المفید، بی تا.
۵. صدوق، ابو جعفر محمد بن علی (ابن بابویه)؛ من لا یحضره الفقیه؛ علی اکبر غفاری، ج ۱، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵ق.
۶. صفری، نعمت الله؛ نقش تقیه در استنباط؛ ج ۱، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱ش.
۷. طباطبائی، سید محمدحسین؛ تفسیر المیزان؛ ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۵، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۴ش.
۸. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱، بیروت: دار المعرفه، بی تا.
۹. عمیدی، ثامر هاشم حبیب؛ واقع التقیه عند المذاهب الاسلامیه من غیر الشیعه الامامیه؛ قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۶ق.
۱۰. عیاشی، محمد بن مسعود؛ کتاب التفسیر؛ تصحیح / تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.
۱۱. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین؛ ج ۲، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ق.
۱۲. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر قمی؛ ج ۴، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، قم: دار الکتب، ۱۳۶۷ش.
۱۳. مجلسی، محمدتقی؛ روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه؛ ج ۱، قم: العلمیه، ۱۴۱۰ق.
۱۴. _____؛ لوامع صاحب قرانی المشتهر بشرح الفقیه؛ ج ۱، قم: مؤسسه دار التفسیر، ۱۳۷۶ش.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر؛ پیام امام شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه؛ ج ۱، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.